

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در مثنوی دلبر حشمت منصور

۱- دکتر علی گراوند ۲- صادق ملک حسینی

۱- استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

(a.garavand@ilam.ac.ir)

(s.malekhosaini@ilam.ac.ir)

چکیده

داستان نویسی و لذت شنیدن داستان، در وجود تمام انسان‌ها نهادینه شده است. انتقال مفاهیم، به کمک داستان امکان پذیر است. شخصیت مهم‌ترین عامل تحقق بخش به این امر می‌باشد. شخصیت‌ها عناصری هستند که تنه اصلی داستان را شکل می‌دهند. شخصیت به دو نوع اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. شخصیت‌پردازی از جمله عناصری است که مخاطب را ترغیب به همراهی با داستان می‌کند. یکی از بهترین نمونه‌های شخصیت‌پردازی موفق در ادبیات کوردی جنوبی توسط حشمت منصور در مثنوی دلبر می‌توانیم ببینیم. در این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی شخصیت‌ها و شخصیت‌پردازی پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که بار اصلی داستان بر عهده شخصیت اصلی داستان «دهلیل» است. شیوه شخصیت‌پردازی تلفیقی بیشترین کاربرد را در این مثنوی دارد.

کلیدواژه: داستان نویسی، شخصیت‌پردازی، حشمت منصور، مثنوی دلبر

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## مقدمه

شخصیت را می‌توان اصلی‌ترین عنصر داستان در آثار ادبی گذشتگان، اعم از نظم و نثر، شامل اسطوره، افسانه، حکایت، مثل، لطیفه و ... دانست. «گذشتگان و بزرگان ادب ما، از این اصطلاحات، به عنوان مترادف یکدیگر در آثار خود استفاده کرده اند» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۲۷). این تعریف در قالب‌های امروزی: رمان، رمانس، داستان بلند، داستان، داستانهک و... نیز صادق است. شخصیت محوریت اصلی داستان را بر عهده دارد و مابقی عناصر داستان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. اگر خالق اثر هنری در پرداخت شخصیت، دارای تبحر کافی باشد «می‌تواند اجزای دیگر را هر چند که ضعیف باشند جبران کند و داستان را زنده نگه دارد» (دانشنامه ایرانیکا، ص ۲۱). خالق اثر هنری با وجود اینکه در به کارگیری تعداد شخصیت‌ها محدودیتی ندارد، باید این نکته را در نظر داشته باشد که هر چه تعداد شخصیت‌ها بیشتر باشد، سامان دادن آنها در داستان نیز دشوارتر است. قدرت شخصیت پردازی خالق اثر حکم شمشیر دو لبه ایی را دارد که ضامن شکست و موفقیت او است.

سه شیوه رایج در شخصیت پردازی وجود دارد: شخصیت سازی مستقیم و غیر مستقیم و تلفیقی. هر کدام از این شیوه‌ها ابزارهایی را در اختیار خالق اثر قرار می‌دهد. ویژگی‌هایی مادی و معنوی که برای شخصیت در نظر گرفته شده است، به همراه ابزاری‌های شخصیت پردازی داستان را که «حرکت از وضعیت پایداری است که به هم خورده است؛ به سوی تعادلی ثانویه» (بوطیقای قصه در غزلیات شمس، ۱۳۸۸: ۱۸) پیش می‌برد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در این پژوهش به شخصیت پردازی در مثنوی نویسنده ایلامی می پردازیم. حشمت منصوری متخلص به «دلیل» یکی «از پرمایه ترین شاعران بلندپایه ایلامی است» (به یان ده ناسو، ۱۳۹۳: ۱۷). او در به کار گیری عنصر شخصیت و شیوه های شخصیت پردازی در مثنوی های خود، بسیار موفق بوده است. شخصیت پردازی در مثنویهایش به همراه «تخیل گسترده، مخاطبان را به عالمی برتر از عالم محسوس کشانده و علاوه بر نمایاندن پایه هنری اش، گنجینه پایان ناپذیری از مضامین و مفاهیم را فرا روی علاقه مندان به شعر و ادب نهاده است» (همان).

مثنوی «دلبر» داستان عشق نافر جامی است که با «۲۰۵۰» بیت طولانی ترین مثنوی مجموعه «بیان ده یاسو» است. حشمت منصوری در قالب این مثنوی به بیان آلام و دردها و شکوه و درد و... یک عاشق در بافتی قومی\_قبیله ای می پردازد.

## پیشینه پژوهش

چند پژوهش به زبان فارسی با عنوان "داستان پردازی و شخصیت پردازی در مثنوی مولوی"، توسط جلیل شاکری (۱۳۸۵)، "شخصیت پردازی و صحنه پردازی به روایت تصویر در آثار اقباسی از مثنوی برای کودکان و نوجوانان"، توسط پروین مرتضایی (۱۳۹۲) نگاشته شده است و نیز پژوهش های دیگری که به بررسی شخصیت پردازی در مثنوی فارسی پرداخته اند.

محمد جلیل بهادری در مقاله ای تحت عنوان "بررسی جایگاه زن در جامعه سنتی ایلام با نگاهی به مثنوی والیه" که مثنوی دیگری از دیوان شعر بیان ده ناسو حشمت منصوری است از منظر دیگری بحث کرده است و نیز در مقاله ای دیگر تحت عنوان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

"ترنم خیال جستاری در شعر و اندیشه حشمت منصوری" مباحثی دیگر را مورد بررسی قرار داده است؛ اما مساله اصلی این است که هیچ یک از پژوهشگران به بررسی عنصر شخصیت و شخصیت پردازی را در مثنوی مورد مطالعه ما قرار نداده اند. پژوهشی مستقل در این مورد در ادبیات کوردی جنوبی ضرورت دارد.

هدف ما در این پژوهش، بررسی چگونگی به کارگیری عنصر شخصیت در جلب مخاطب و همراه کردن مخاطب با خود در طول داستان است. و نیز بررسی ابزاری است که شاعر در شخصیت پردازی به کار برده است که باعث شده این شاعر در زمره شاعران تراز اول شعر کوردی جنوبی مخصوصا در مثنوی سرایی قرار گیرد. در ادامه پژوهش به این سوالات پاسخ خواهیم داد:

۱. شخصیت های به کار گرفته شده توسط حشمت منصوری از کدام نوع هستند؟

۲. از چه شیوه هایی برای شخصیت پردازی بهره گرفته است؟

۳. در مثنوی دلبر شخصیت های فرعی چه نقشی دارند؟

## تعریف شخصیت

از دیرباز رؤیاهای شیرین در قالب داستان نگاشته می شدند تا مخاطب هم تجربه تازه ای کسب کند و هم گذر عمر را با خواندن و شنیدن زاویه دیگری از زندگی حس نکند. یکی از دلایل مهم ادامه زندگی در داستان عنصر شخصیت است. «از همان آغاز، بشر از طریق شخصیت، غرایز اندیشه ها و عواطف خود را، آگاهانه یا ناخود

آگاه عینیت بخشیده است» (براهنی، ۱۳۹۳: ۲۶۴)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

عناصر گوناگونی مانند: شخصیت، زاویه دید، کنش، راوی، مکان و زمان، درون مایه، گفت و گو و... داستان را که «توالی طبیعی و دست نخورده حوادث است» (میر صادقی، ۱۳۹۴: ۴۴)، به وجود می‌آورد. در این میان یک خواننده در حین خوانش داستان به وسیله شخصیت است که وارد داستان میشود و ارزش ادبی یک اثر را قدرت نویسنده در به کار گیری شخصیت و شخصیت پردازی مشخص می‌کند.

شخصیت «شبه شخصی است تقلید شده از اجتماع که بینش جهانی نویسنده بدان فردیت و تشخص بخشیده است» (براهنی، ۱۳۹۳: ۲۶۴). گاهی شخصیت داستانی برگرفته از شخصیت های تاریخی و ادبی است که از آن به عنوان آن شخصیت دارای پیشینه یاد می‌شود. شخصیت می‌تواند زاینده فکر و

تخیل نویسنده نیز باشید و هیچ نمود بیرونی نداشته باشد. برخی از شخصیت‌ها که از طریق ارتباط با جامعه و جغرافیای موجود نطفه اولیه آن‌ها در ذهن نویسنده شکل می‌گیرد و میتوانند حیوانات و اشیا و دیگر موجودات باشند. «چه بسیار نویسنده،

شخصیت اصلی را از الگو و نمونه شخصیت خود می‌آفریند و خصوصیات خلقی و تاملات عاطفی و درونی خود را در آفرینش شخصیتی آنها» (میر صادقی، ۱۳۹۴: ۴۸)

به کار بگیرد. هرچه شخصیت واقعی تر باشد ماندگاری آن در ذهن مخاطب نیز بیشتر است. روح زندگی بخش به یک اثر هنری را شخصیت به کالبد آن می‌دمد.

هرچه نویسنده در پرداخت آن قدرتمندتر عمل کند، همزادپنداری، حس نفرت، حس موافقت، تأثیر پذیری، رفتن و ماندن خواننده در جهان ممکن به وجود آمده، بیشتر

است. «کارهای هر شخصیت داستان می‌تواند، مورد تقلید و تکرار قرار گیرد و در

عرصه زندگی بسیار موثر واقع شود و تأثیرهای خوش یا ناخوشایندی در جامعه

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

بگذارد» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). بسیاری از مردم از شخصیت‌های داستان‌ها تقلید کرده و این تعهد و مسئولیت اخلاقی یک نویسنده را بیشتر میکند. الگوهای رفتاری و افکاری شخصیت‌ها هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم در جامعه تاثیر می‌گذارند. «ارسطو می‌گوید: اشخاص داستان خصوصیات خصال را عرضه میدارند لیکن شادی و ناشادی در عمل، یعنی در آن چیزی است که انجام می‌دهیم» (فورستر، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

شخصیت به دلیل داشتن رابطه مستقیم با خواننده قدرت تأثیر بر آن و ایجاد وحدت ما بین دیگر عناصر، اصلی‌ترین عنصر سازنده و منتقل‌کننده تم در نظر گرفته می‌شود. «عامل شخصیت محوری است که تمام تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد» (براهنی، ۱۳۹۳: ۲۶۴) و دیگر عناصر اثر هنری موجودیت خود را از آن می‌گیرند. ابزارهای گوناگون مانند: دیالوگ، تک‌گویی و چگونگی پرداخت کنش‌ها به شخصیت که بار اصلی حرکت روایت و ترغیب خواننده به همراهی با داستان و تشویق به خواندن ادامه داستان و دانستن اینکه چه چیز اتفاق می‌افتد.

## حشمت منصوری

حشمت منصوری متخلص به «دلیل» از فرهنگیان پر تلاش واز موفق‌ترین شاعران ایلامی در سال ۱۳۱۵ در ایلام متولد شد. خانواده پدری او بزرگان و صاحب‌نفوذان این سرزمین و تبار مادریش از عالمان بزرگ کرمانشاه بودند. تسلط او بر زبان و فرهنگ عامه مردم ایلام، باعث ایجاد سلاست و جزالت در شعراو شده است. نازک‌خیالی او به همراه استفاده از مضامین ناب و شناخت مخاطب محبوبیت او را در بین

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تمام اقشار جامعه باعث شده است. از او غزل، مسمط، دو بیتی به همراه مثنوی به جا مانده است. «منصوری قالب مثنوی را برای بیان حرف‌ها و رنج‌ها برگزیده و با زیبایی نرم و روان و ترکیب و تلفیق عاطفه و احساس به بیان مسایل مختلف از قبیل: عشق، اخلاق، زهد، شکوه و شکایت، دلدادگی، طبیعت، توصیف و ... پرداخته» (بیان ده ناسو، ۱۳۹۳: ۱۸) است. تسلط او در مثنوی سرایی باعث خلق مثنوی‌های زیبایی از جمله مثنوی "دلبر" شده است.

## مثنوی دلبر

مثنوی ۲۰۵۰ بیتی «دلبر» طولانی‌ترین مثنوی «بیان ده ناسو (طلوعی در افق)» است. داستان عشق نافرجام جوانی عفیف و پاکدامن است که در ایلام دهه ۴۰ و ۵۰ زندگی می‌کند. منصوری این دلدادگی و عفت را که در محیط کوچک و قومی - قبیله ایی ایلام آن زمان اتفاق افتاده است، با چنان تبحری بیان می‌کند که «واژه‌ها خوش آهنگ، زبان گرم و دلکش است و جز در موارد اندک، گسیختگی معنی و مفهوم در آن مشاهده نمی‌شود و مخاطب راحت و روان در گلزار دلبر، مشام جان را معطر می‌گرداند» (همان: ۳۹).

## شخصیت و شخصیت‌پردازی در مثنوی دلبر

شخصیت‌پردازی تناسب میان حوادث داستان را به وجود می‌آورد. هر چه انتخاب شخصیت‌ها دقیق‌تر باشد، انتقال مفاهیم ذهن نویسنده نیز موفق‌تر است. «خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). شخصیت



چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

پردازشی به سه شیوه ۱- مستقیم ۲- غیر مستقیم ۳- تلفیقی (مستقیم و غیر مستقیم) صورت می‌گیرد.

پرداختن به شخصیت در داستان، ساختار اصلی آن را تشکیل می‌دهد. «یک خواننده کنجکاو، اغلب پس از مطالعه آثار ادبی ممتاز، با حالتی نزدیک به حیرت از خود می‌پرسد نویسنده چگونه و با طی چه مراحل موفق به آفرینش کاراکترهایی این چنین نیرومند و تاثیرگذار شده است؟» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۵۷)

در این مثنوی چندین شخصیت دیده می‌شود که تأثیر گذارترین آنها عبارتند از: شخصیت اصلی داستان «ده لیل» عاشق دلسوخته ایی است که شور عشق در دل او غوغایی انداخته است. «دلبره ر» معشوق شوخ و طنازی ست که با شیطنتهای عاشقانه خود دل عاشق را خون کرده است، شخصیت مکمل داستان است. «سلطان» عمه معشوق که به عنوان شخصیت یاری گر سعی در رسیدن این عاشق و معشوق به همدیگر دارد. «عالیه» شخصیت دخالتگری است که با فاش کردن راز عاشقی دلیل و دلبر مانع وصال این دو می‌شود. "پدر و مادر و برادر دلبره"، شخصیت‌های دخالتگری هستند که پس از افشای راز عاشق و معشوق، او را در خانه حبس می‌کنند، ازدواجی را به تحمیل کرده و این عشق را نافرجام می‌گذارند. حشمت منصوری در مثنوی «دلبر» بدین شیوه، شخصیت‌های داستان را پی ریزی کرده است:



چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

۱. شیوه مستقیم

در این شیوه نویسنده به صورت مستقیم و با صراحت به معرفی شخصیت و جایگاه او می پردازد. منسوری برای شرح رفتار «پدر و مادر و برادر دلبر» چنین می گوید:

باوگ جاهل و قهوم شهروورئ      برای خیرهتی شئت مه غروورئ  
دلبر ناؤن ده قهیدت هحت فشار      که کردوین گاؤنای پهری رخسارئ  
(۱۷۳۸،۹)

که به صورت مستقیم غیرت و تعصب و جنون آنها را نشان میدهد و پس از با خبر شدن از راز دلبر او را مورد ضرب و شتم قرار داده و در خانه زندانی کرده اند.

در معرفی مستقیم «سلطان» می گوید:

دیم یه سل تانه میمگ دل وهر      وتم یه یی را کرده مه خه وهر (۱۴۸۹،۹۰)  
سل تان تهر هفدار و ههواخوای منه      که متر پهیدا دووگ ده ئی جوور ژنه  
که معرف زنی با تجربه و مهربان است.

برای معرفی «عالیه» صفات او را مستقیم تشریح می کند:

عالیه ژن ناحساوئ بوؤ      شئت و دهنگ های یه ی درداوئ بوؤ  
دهس نا و که مه ههات هئ هیوان      چی همئ زاقه و کرد وئ نه ی دئ وان ه

(۱۳۴۷،۴۸)

که نشان دهنده زنی سلیطه و دیو صفت است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

۲. شیوه غیر مستقیم

در این روش تنها به نمایش رفتار و اعمال شخصیت پرداخته می‌شود. خواننده در  
خلال داستان و به واسطه رفتار و اعمالی که از شخصیت نشان داده شده است، پی  
به ویژگی‌های آن می‌برد.

منصوری برای توصیف رفتار غیر مستقیم «سلطان» می‌گوید:

سَلْ تان خوهی هات و دهرانه چه کان      تا نوو پَس منم سهرئ دهم شه کان

وته م بغه رما دل دادهئ شه یدا      یه ئه را خوهت که ئ ده شیوهئ گدا (۴۵۴،۵)

که دلسوزی «سلطان» را نسبت به این دو دل داده در قالب نگرانی ابراز می‌کند.

همچنین، وقتی «دلبر» می‌خواهد بطور غیر مستقیم توجه «دلیل» را جلب کند، چنین  
کاری انجام می‌دهد:

ی هئ پووژ ش هوه کی ئه ل ساؤ ده خاو      م ه شک ه یه ل گرتؤ بچوو ئ پرا ئاو

ده ق ه سی ده بان س ه نگ ف ه ر ش ه نا داو      تا وه تهق و پووق بک هئ گ هم ده خاو

(۲۲۱،۲۲۲)

که به طور غیر مستقیم به ناز و دلبری کردن معشوق برای دلباخته کردن عاشق  
اشاره دارد.

منصوری در قسمتی از داستان، جواب مثبت دلبر به این عشق را چنین اعلام می‌کند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

چن هو پرمهق دهس و پام چنی  
چمان بئستون و کوولم کنئ  
گرئ وهی نهچگ ژهنوو شئ دابؤ  
شور عشق ده سهر و چی همئ پیدابؤ  
وتک دیکه کوانگه شئ وان  
جاجگه ده قهئ مهخهله تئ وان  
وهختئ ده خواهشی بان بگرم ده وه  
مهخهله ناگره بنهمه بان سر (۱۵-۲۱۱)  
که به صورت مستقیم دلبری کردن و شیطنت معشوق و و به طور غیرمستقیم،  
رضایت او به این عشق را می‌رساند.

۳. شیوه تلفیقی (مستقیم و غیر مستقیم)

این شیوه آمیزه‌ای از دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم است. نویسندگان به صورت مستقیم به معرفی شخصیت می‌پردازد و هم به صورت غیرمستقیم خواننده را در فهمیدن ویژگی‌های شخصیت یاری می‌کند. تلفیق شخصیتها در مثنوی منصوری بدین شکل است که وقتی می‌خواهد، زن فالگیر که بره نو نه‌مام (عده‌ای دختران جوان) برای برملا کردن آینده گرد او جمع شده اند را معرفی کند، هم تصریح به نام می‌کند، هم به صورت غیر مستقیم و از روی اعمال و رفتار معرفی می‌کند.

تاله گر تو بؤش وه مراد رهسم  
سهر نهم وه سهرین دل‌دادهی مه‌سم

نه واتئ ژه نوو دهس سائی وه سه‌رئ  
ورد تر خوهنی وه دهرو وه

واته پئ دل‌به‌ر خهت قه‌پال‌ت  
دیاره به‌رزه به‌خت وئ‌قبالت (۷، ۳۱۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

در جایی دیگر این مثنوی، شاعر به طور تلفیقی، زیبایی دلبر که ارایش زیبایی انجام داده است به صورت مستقیم نشان داده و همزمان به صورت غیر مستقیم دلبری کردنش را با ناز راه رفتن و عشوه گری همچون ونوس بیان می کند.

دوش هو هم دل ب هر هات ه مال مان      هم ناگر نا گز پ هر و بال مان

دوش هو هم هات و وه ش هو نشینی      خوئ کرد و وه ع ه کس ر و قاوه سینی

هم ته ق هی قوی قاپ س هنده لووس پای      خ هو هر دا وه دل ها ک وه نووس دیای

مانگه ش هو ده در قاپ یه ی ه ل ای      ی ه ل س وازبکه ده ران ه ی رای (۱۷۲-۱۶۹)

در میانه داستان که «دلبر» به شوخی و طنازی شناخته می شود (غیر مستقیم)، با عتاب و سرزنش اطرافیان مواجه می شود که مراعات حال «دلیل» را از او می طلبند (مستقیم):

ک ه س ی پ هیدا دوو ب و ش ی وه دل ب هر      نرا شوورو ش ه پ نه راری ده س هر

ک ه س ن یه ب و ش ی وه ی اسمان ه      ی را دائ م هن ها ده ی گومان ه

ی هر تیری ب خ هی ک همان هو شاری      فکر ک هی ک ه س ی س هر ده ی نی هراری

(۵۳۳-۵۳۵)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## نتیجه گیری

شخصیت مهمترین عنصر یک داستان است. شخصیت پردازی ابزار ماندگاری و موفقیت یک اثر می باشد. تبحر خالق اثر هنری در پرداخت آن جهان داستان را می سازد که می توان با پرداخت صحیح شخصیت ها یک اثر را موفق یا نابود کند. چنانکه بزرگترین نویسندگان دنیای ادبیات به دلیل شخصیت پردازی صحیح آثارشان مقبولیت یافته اند. حشمت منصوری از هر سه شیوه شخصیت پردازی: مستقیم، غیر مستقیم و شیوه تلفیقی در سرایش داستان بهره برده است. در بین این سه شیوه، شیوه تلفیقی بیشترین کارایی و نمود را در داستان داشته است و شیوه مستقیم کمترین کاربرد را داشته است. حشمت منصوری در مثنوی خود از تنوع شخصیت ها برای پیشبرد داستان نهایت استفاده را کرده است. علاوه بر شخصیت های اصلی شخصیت های دیگری، با تأثیر کمتر به ادامه زندگی داستان کمک می کنند. شخصیت هایی مانند: «رمال»، «قوم و خویش»، «بره نو نه مام»، «شیخ مرای»، «میمگم نازی» و... که همگی شخصیت های ناظر در داستان هستند. شخصیت های ناظر غیر انسانی نیز مانند: «دل»، «خیال»، «رب النوع عشق» و... در طول داستان به روند داستان کمک می کنند. تسلط حشمت منصوری به فرهنگ عامه ایلام، زبان سلیس و ساده، استفاده از تشبیهات ملموس و قابل فهم برای عموم مردم، بهره گرفتن از کنایات روزمره و قدرت انتقال مفاهیم در قالب تنوع شخصیت ها که دست شاعر را برای شخصیت پردازی باز گذاشته است، توانسته باعث خلق اثری ماندگار شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

منابع

۱. براهنی، رضا، قصه نویسی، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۹۳
۲. دانشنامه ایرانیکا، ادبیات داستانی در ایران زمین، ترجمه چیمان متین، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۲
۳. دقیقیان، شیرین دخت، منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، نشر نویسنده، تهران ۱۳۷۱
۴. فورستر، ادوارد مورگان، جنبه های رمان، نگاه، تهران، ۱۳۹۱
۵. گراوند، علی، بوطیقای قصه در غزلیات شمس، انتشارات معین، تهران، ۱۳۸۸
۶. منصوری، حشمت، به یان ده ناسو(طلوعی در افق) دیوان شعر حشمت منصوری جمشیدی، تصحیح ترجمه و توضیح محمد جلیل بهادری، نشر رمان، ایلام، ۱۳۹۳
۷. میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی ، نشر سخن، تهران، ۱۳۹۴
۸. میرصادقی، جمال، عناصر داستان، نشر سخن، تهران، ۱۳۹۴